

حمیدرضا شاه آبادی از راه‌های کتاب‌خوان کردن کودکان می‌گوید **بچه‌ها باید از کتاب خوانی لذت ببرند**



حمیدرضا شاه آبادی

بچه‌ها باید در دو مرحله اتفاق بیفتد تا در قالب رفتار دربیاید، مرحله اول اکتسابی و بر مبنای مشاهدات محیطی است و مرحله دوم مواجهه مستقیم بچه‌ها با کتاب خوانی به عنوان تجربه زیسته شخصی است.

او گفت: اولین قدم برای کتاب‌خوان کردن بچه‌ها این است که خود پدر و مادر کتاب‌خوان باشند و در خانه کتاب داشته باشند و بچه‌ها را از همان روزهای اول به شکل کاملاً غیرمستقیم و در قالب رفتاری طبیعی با کتاب‌خوانی آشنا کنند.

شاه آبادی ادامه داد: فراهم آوردن امکان تجربه شخصی کتاب‌خوانی برای بچه‌ها مهم است. قبل از هرچیز نباید فراموش کنیم اولین هدف کتاب‌خوانی برای بچه‌ها، باید لذت بردن از کتاب در سنین پایین باشد. آن‌ها باید کتاب را دوست داشته باشند و با علاقه شخصی خود به آن مراجعه کنند، بنابراین اگر می‌خواهیم برایشان کتاب بخیریم، بهتر است بچه‌ها را با خود ببریم و خریدمان با انتخاب آن‌ها باشد و این وسوسه‌که بچه‌ها را به دانشمندان کوچک تبدیل کنیم، کنار بگذاریم.

«فردای بعد از تو»؛ کتاب تازه شاعر خراسانی

تازه‌ترین کتاب محمود اکرامی، مجموعه‌شعر «فردای بعد از تو»، به بازار نشر آمد. این شاعر و روزنامه‌نگار خراسانی که اهالی شعر مشهدحضورش را در محافل ادبی شهر در سال‌های نه‌چندان دور به

یاد دارند، کتاب تازه‌خود را با ۱۳۴ غزل شکل داده است. در بیت‌هایی از کتاب آمده: «کوه یخ بود و آب شد قلیم/ چون عقیق مذاب شد قلیم// رفت از دست، هرچه بود و نرفت/ یادت از خاطرم به هیچ‌رقم// هم جنونی و هم قرار منی/ انیستی کرچه در کنار منی// با منی باز هم نفس به نفس/ با منی باز هم قدم به قدم» این مجموعه غزل را انتشارات شهرستان ادب در ۲۷۷صفحه به چاپ رسانده است.

رونمایی از مجموعه شعر «واقعا گل سبج»



نشست رونمایی از کتاب تازه مهدی رجبی، شاعر مشهدی، عصر امروز در مشهد برگزار خواهد شد. به همت انجمن ادبی گات، برنامه رونمایی از «واقعا گل سبج» و حضور و صحبت‌های شاعران مشهد (محمدباقر کلاهی اهری، علیرضا جهانشاهی، رضا

عابدین زاده، حیدر کاسی، مهدی آخرتی) درباره این دفتر شعر همراه خواهد بود. علاقه‌مندان می‌توانند برای شرکت در این نشست از ساعت ۱۷:۳۰ به نگارخانه رادین مراجعه کنند.

«کنش گران مرزی» در پردیس



پنجاه و سومین نشست «جمعه‌های پردیس» کتاب «به نقد و بررسی کتاب «کنش گران مرزی» نوشته مقصود فراستخواه اختصاص خواهد داشت. قرار است در این برنامه، مجید فولادیان، در جایگاه منتقد از محتوای کتاب یادشده‌بگوید. «کنش گران

مرزی» تاریخ تجدد در ایران را تکیه بر موضوع کنش‌گری مرزی بازخوانی می‌کند. فراستخواه در این کتاب به یکی از ظرفیت‌های موجود در جامعه ایران برای توسعه و تجدد و نوسازی و پیشرفت و برون‌رفت از انسداد و بحران می‌پردازد و مصادقا ها و نمونه‌های آن را در بازه‌ای صدساله از تاریخ ایران (از دوره قاجار تا آغاز عصر پهلوی) پیش روی خواننده می‌گذارد و در این زمینه تحلیل و نتیجه بررسی خود را ارائه می‌دهد. نشست نقد و بررسی این اثر، فردا جمعه، ۲۶ خرداد، در ساعت ۱۰ در پردیس کتاب مشهد برگزار می‌شود.

زین‌تقدیر

علیرضاخیدری |مدرس ویراستاری

- ناوبراسته***

بغدادساز و کارپرداخت اموال ایران را اعلام کرد.
بر اساس بیانیه‌ای که بانک تجارت عراق در سایت رسمی خود قرار داده است...

🔴 نکته

«ساز» در اینجا به معنای «سامان» و «نظم و ترتیب» و «برابر فارسی» می‌توانیم است. از این کلمه واژه‌های مرکبی مانند «ساز و برگ» و «ساز و کار» ساخته شده است. فرهنگستان در کتاب «فرهنگ املا بی خط فارسی» ساز و کار را پیشنهاد کرده است.

#زین-تقدیر_فارسی

مروری بر داستان و فیلم «سکوت دریا» و تحلیلی از قدرت سکوت

سکوت به مثابه ایستادگی



نادیده گرفتن و به رسمیت نشناختن اوست در عریان ترین شکش و آدمیزاد-این جانور اجتماعی-تاب‌نا دیده گرفته‌شدن را ندارد. چون نادیده گرفته شدن به عبارتی تنهایی مطلق هم هست و به اعتقاد ارسطو، برای تنها زیستن یا حیوان باید بود یا خدا [یا از انسان نازل تر بود، یا والا تر]. داستایفسکی که تار و پود فلسفه اش را با رنج تنیده بود، در رمان «یادداشت‌های زیرزمینی، سراغ رنج نادیده گرفته شدن هم رفته است. مرد زیرزمینی از کنار رستورانی می‌گذرد، از پنجره داخل را نگاه می‌کند و می‌بیند دور میز بیلپارد غوغایی برپاست و چند نفر به جان هم افتاده‌اند. یکی را از پنجره بیرون می‌اندازند. مرد زیرزمینی که تنهاست و نادیده گرفته شده، می‌گوید: «در آن لحظه به خصوص احساسی به من دست داد که به حال آن کسی که از پنجره به بیرون پرتابش کردند غیبه خوردم، یعنی می‌خواستم جای او بشم. چنان به او رشک بردم که وارد رستوران شدم و یک‌راست به اتاق بیلپارد رفتم و با خود می‌گفتم که شاید تکتم بزنند و از پنجره بیرونم بیندازند.[...] مردی تنها و خسته را آرزوها، یا تمایل به معاشرت می‌تواند به چنین دیوانگی‌هایی مبتلا کند. اما هیچ اتفاقی رخ نداد. ثابت شد که من حتی شایستگی از پنجره بیرون انداخته شدن

مجید خاکپور

مردگان در دمای بدن وسکوت مشترک‌اند. آخرین مرحله سلطه‌تام، سکوت مطلق است. سکوت گور ستان نمادی است از سلطه تمام عیار مرگ. اگر سکوت انتخابی حکیمانه و آگاهانه نباشد برازنده آدم زنده نیست. جز مورخان و رزشی باسابقه کسی نام طلا پرده‌ها و رکوردهای المپیک ۱۹۶۸ مکزیکوسیتی را به یاد ندارد. از آن سال تا همین المپیک ۲۰۲۰ توکیو بسیار گردن که برای گرفتن طلا خم و بسیار رکورد که شکسته شده است. کثرت از ارزش می‌کاهد، همچنین از توان حافظه در به یاد سپردن. اما از آن المپیک، خیلی‌ها یک عکس تاریخی را به یاد دارند. عکسی هنوز الهام‌بخش. عکسی لایق قاب گرفته شدن. تامی اسمیت و جان کارلوس آمریکایی مدال آوران دوی دوست متر المپیک آن سال، وقتی روی سکو رفتند تا مدال طلا و برنزشان را بگیرند، لب باز نکردند. آن‌ها داشتند با سکوتشان به ظلم و تبعیض علیه سیاه‌پوستان آمریکا اعتراض می‌کردند. سکوت در حضور دیگری و واکنش نشان ندادن به کنش او-حرف زدنش-

- کتاب مقدس جریان مقاومت فرانسه

کتابچه‌ای کوچک، لاغر، بی طراحی جلد و به غایت ساده، خون بود در رگ‌های جریان مقاومت فرانسه. یک انتشارات زیرزمینی به‌نام «نیمه‌شب» اولین کتابش را از نویسنده‌ای منتشر کرد که نامش «ورکور» بود، اما احدی او را نمی‌شناخت. اکتبر سال ۱۹۴۱ بود و باید چند سال می‌گذشت تا پرده برافتد و نویسنده این کتاب که از مشهورترین ناشناس‌های فرانسه بود رخ بنماید. «ژان بروله» نام واقعی همان ورکور بود، نویسنده «کتاب مقدس» مقاومت. آنچه زندگی بروله را-مانند میلیون‌ها تن دیگر- از ریل خارج کرد، جنگ بود. او داشت به عنوان هنرمند هنرهای تجسمی، خیلی معمولی کارش را می‌کرد که یک نفر هوس کرد ایدئولوژی و قلمروش را پهن تر کند. بروله با شروع جنگ به ارتش پیوست، در عملیاتی پایش شکست، از خدمت معاف شد، از ایستادگی و مقاومت نه، طی دوران نقاحت، روزی دو صفحه از کتابش را می نوشت. خودش بعدها گفت این کار را می‌کرده تا مغزش عاقل و باطل نماند. به نهضت مقاومت فرانسه پیوست و در سال ۱۹۴۱ با دو تن از دوستانش انتشاراتی زیرزمینی راه انداخت به نام «نیمه‌شب»، در مرام‌نامه انتشاراتشان آمده بود که هدف، نشر آثاری است که موجب بالا رفتن روحیه فرانسویان در روزهای سلطه تاریکی شود. «سکوت دریا» در سرتاسر فرانسه اشغالی پخش و این انتشارات بدل شد به مهم‌ترین ناشر ادبیات مقاومت.

ژان بروله پس از «سکوت دریا» رمان‌ها و کتاب‌های دیگری هم نوشت، اما نامی‌ترین اثرش همان نخستین اثرش بود. این کتاب تا سال ۱۹۴۸ به هفده زبان ترجمه شد و در همین سال ژان پیر ملویل فیلمی از روی آن ساخت.

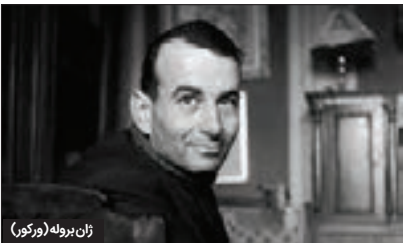
- فیلم‌سازی از نهضت مقاومت

ملویل از روح خودش در رمان دمید و فیلم آفریده شد. او که از اعضای باسابقه نهضت مقاومت بود تعهدی قلبی به رمان داشت. بعدها در مصاحبه‌ای گفته بود که «سکوت دریا» ی ورکور در طول جنگ عملکردی مانند کتاب مقدس داشت.

ملویل سی ساله را هنوز کسی به عنوان فیلم‌ساز به رسمیت نمی‌شناخت. «سکوت دریا» نخستین فیلمش بود و یکی از اولین فیلم‌های سینمایی که مستقل از سیستم دولتی تولید شد. کارگردان محترم هیچ‌یک از مجوزهای لازم را نداشت، حتی حقوق اقتباس از رمان را. ولی چیزی مانع او نشد، فیلم را در خانه خود ژان بروله در خارج از پاریس ساخت و فیلم‌برداری آن ۲۷ روز طول کشید.

- رازداری مترجم

وقتی حسن شهید نورایی کتاب را به فارسی برمی‌گرداند هنوز نام اصلی نویسنده فاش نشده بود و او هم مانند همه فقط همان نام مستعار را می‌دانست. آخرین اوراق ترجمه‌شده در حال حروف‌چینی بود که خبری در مطبوعات فرانسه منتشر و نام اصلی نویسنده برملا شد. اما شهید نورایی گذاشت کتاب با همان رازش در ایران منتشر شود. ۲۹ آذر ۱۳۲۳ در چاپخانه شرکت سپاهی چاپ، ۱۶۱۵ نسخه از داستانی با عنوان



ژان بروله (نوروز)

زندگی اجتماعی می‌دانند. وقتی یک نفر خودخواسته‌ای به اجبار زبان در کام می‌گیرد زندگی و ارتباط اجتماعی شکل نمی‌گیرد. عقیم می‌شود. از طرفی شکل‌گیری کنش متقابل به وسیله گفت‌وگو یعنی اطلاعاتی درباره کارورها و گذشته و نظرات و خودمان را به دیگری بدهیم، امتناع از گفت‌وگو به معنی پرهیز از ارائه هر نوع اطلاعاتی است و در نتیجه به وجود نیامدن شناخت. و در غیاب شناخت از دیگری، نزدیکی و صمیمیت هم ممکن نمی‌شود. گفت‌وگو همچنین می‌تواند تا حدودی به معنای پذیرش دیگری- در اینجا اشغالگر- باشد، چون گفت‌وگو یک همکاری دوطرفه است و امتناع پیرمرد و برادرزاده اش از گفت‌وگو، پرهیز از کوچک‌ترین نوع همکاری.

آن‌ها با سکوتشان به افسر نازی بی‌اعتنایی می‌کنند. سکوتشان به معنی نادیده گرفتن جایگاه و نقش و منزلت افسر است. افسر نماینده کشور فاتح و اشغالگر است. خواهان مطیع بودن و سر تسلیم فرود آوردن مغلوب. سکوت آن‌ها عملی شجاعانه هم هست، چون بی‌اعتنایی توهین است و در اینجا نه فقط توهین به یکی افسر، بلکه با به رسمیت نشناختن او- که نماینده جبار است- هینتر را که حزب او این جایگاه را به افسر داده نیز به رسمیت نمی‌شناسند. افسر دومنزلت دارد، یکی منزلت انتسابی که از حزب نازی می‌گیرد و آن لباس و درجه‌های روی شانه اش است و دیگری منزلتی اکتسابی که همان فرهنگ و هنری است که در طول زندگی کسب کرده است. اما در اینجا منزلت اصلی او، همان منزلت انتسابی اش است و با همین منزلت است که توانسته حضور و وجودش را تحمیل کند. بنابراین پیرمرد و برادرزاده اش نمی‌توانند به منزلت اکتسابی

- قصیده مقاومت در فرانسه اشغالی

«زیر آفتاب هیچ چیز تازه نیست»، همه چیز معمولی است، هم خانه، هم پیرمرد، هم دختر جوان. تنها چیز نامعمول و تازه، سکوت است. در روستایی در فرانسه اشغالی، افسری نازی برای اقامت به خانه پیرمرد و دختر برادرش می‌آید. اشغالی دردل اشغال. البته بابت حضور و مزاحمتش و تصرف بخشی از خانه «پوزش» می‌خواهد. او غیر از تصویری است که از نازی‌ها داریم، مردی است فرهیخته و فرهنگ‌دوست که رابطه‌ای با خشونت ندارد. تا به حال به فرانسه نیامده است، اما این کشور را با آثار فرهنگی و تاریخش می‌شناسد و البته فرانسوی را هم روان صحبت می‌کند. نامش روزن فرنز ایرناک است. هر شب به اتاق پیرمرد و برادرزاده اش می‌آید، کنار شومینه می‌ایستد و تک‌گویی طولانی‌اش را آغاز می‌کند، از خودش می‌گوید که موسیقی‌دان است و نوازنده، مدح‌ها می‌گوید از فرانسه و فرهنگش و همچنین ایده‌هایی را مطرح می‌کند که جنگ به سرش انداخته است. اما بدون نشیدن یک کلمه از میزبانان، شب خوبی برایشان آرزو و اتاق را ترک می‌کند تا شبی دیگر و تا شش ماه...

پیرمرد- که راوی داستان هم هست- و دختر برادرش به هیچ افسر اشغالگر واکنش نشان نمی‌دهند. چرا سکوت محض؟ واضح است که شروط ابتدایی گفت‌وگو نقض شده است. حضور افسر تحمیلی است. انتقاد بی‌اثر است یا خطر آزار، شکنجه یا حتی مرگ به همراه دارد. جامعه‌شناسان زبان را پایه و اساس



را نیز ندارم، افسری رد می‌شود و او را طوری کنار می‌زند که انگار وجود ندارد. طوری رفتار کرد که گویی اصلاً وجود مرا حس نکرده است. من حاضر بودم تنک او را تحمل کنم و ببخشم، ولی هیچ وقت نمی‌توانستم چنین رفتار اهانت‌باری را ندیده بگیرم. هیچ این را نمی‌توانستم بر خود هموار کنم که به کلی ندیده‌ام گرفت و وجودم را هیچ شمرد. خدای می‌داند که آن شب آماده بودم هر چه داشتم بدهم که با و درگیر مجادله‌ای حسابی شوم. [...] طوری با من رفتار کرده بودند که گویی من مگس بودم! در ادامه ماجرا مرد زیرزمینی تقلاّی زیاد می‌کند تا نشان بدهد که هست، وجود دارد. تلاش او تمنای دیده‌شدن است. وقتی جز همراهی با گفتمان فاتحان و تأیید آن راهی نمانده باشد، وقتی هر سخنی اگر همراهی با دروغ نباشد، موجب‌اتهام است، سکوت به مثابه ایستادگی هم هست. ورکور نامی رمانی بسیار کوتاه با سه شخصیت، که ماجراهای آن تقریباً در یک لوکیشن می‌گذرد، سکوت را به مثابه اعتراض و بی‌اعتنایی و به رسمیت نشناختن و ایستادگی و مقاومت نشان داده است. «سکوت دریا، اثری است که به گفته ژان پی‌یرملویل، کتاب مقدس، مقاومت فرانسه در دوران اشغال این کشور به دست نازی‌ها بود.

او توجه کنند و آن را نیز نادیده می‌گیرند. اعتراض با سکوت همچنین دلالت دارد بر اینکه حرفی برای گفتن نمانده است، همه چیز روشن و شفاف است و دلیلی برای فریاد زدن وجود ندارد. همین سکوت است که قصیده رثائی می‌شود برای مقاومت.

- دیدن استحاله آدم‌ها، پایان خامی، پذیرش مجازات

افسر نازی مرد فرهیخته‌ای است با چند درصد خامی. فکر می‌کند این جنگ قرار است بهترین ویژگی‌های فرانسه را به هم پیوند بزند و چیزی والا تر پیداورد. این ایده‌ای است که در تک‌گویی‌هایش کنار شومینه مطرح می‌کند. اما سفری به پاریس و حضور در جمع افسران نازی که از قدرت و سلطه‌شان منگ هستند، زیر و رویش می‌کند. به خانه پیرمرد که برمی‌گردد می‌گوید: «هر چه در این شش ماه گفتم ... باید فراموش کنید [...] من فاتحان را دیدم.»

هم‌زمانش او را به خاطر عقاید و ایده‌ها و دلبستگی اش به فرهنگ مسخره می‌کنند. می‌گویند قصد نابودی فرانسه و روحش را دارند و همه مدارایی که می‌کنند فریب است و ساختگی: «روحش را هم معدوم خواهیم کرد، مخصوصاً روحش را. روحش بزرگ‌ترین خطر است. فعلاً کار ما همین است: اشتباه نکنید، جانم! ما با لیخند و مدارا به انجام این کار خواهیم رسید.» مدارای اشغالگران با مردمان کشور تسخیرشده برای آن است که بتوانند به مرور و با کمترین مقاومت مسلط شوند. افسر می‌گوید آن‌ها می‌خواهند برخی را به زور و برخی را با زبان بخواه‌باندند: «برای فتح کردن زور کافی است، اما برای تسلط کافی نیست [...] ما باید دنیایی بسازیم که هزار سال دوام کند.»

در آن جمع، دوست قدیمی اش را می‌بیند که شاعری «حساس و عاشق پیشه بود، استحاله‌شده، دگرگون‌شده: «دیدم که چگونه او را هم عوض کرده‌اند [...] او از همه هارتر بود.» آن شاعر حساس حالا موجود دیگری است که جز به سلطه تمام عیار و کشتن روح و جان کشور اشغالی به چیزی فکر نمی‌کند: «نگاهی به او کردم. نگاهی به چشمان روشنش کردم. بله! راست می‌گفت و به گفته خود ایمان داشت. از همه بدتر همین است.» افسر پس از بازگشت از پاریس چشمانش باز شده، مثل طفلی که ناخواسته شاهد سلاخی بوده باشد. می‌فهمد همه آن ایده‌هایش را زیبایی بیش نبوده و در واقع همکار جانی‌ها بوده است. درخواست می‌دهد او را با لشکری به جنگ بفرستند تا به جهنم» برود. تقاضای او برای رفتن به جنگ در واقع مجازاتی است برای تطهیرش از هم‌دستی با شیطان.

منابع:

* برای نوشتن این متن از مقدمه حسن شهید نورایی بر «خاموشی دریا»، همچنین از مقدمه ژرژ پتر سی که حدود قرن‌قبل پس از شهید نورایی ترجمه دیگری از این اثر را با عنوان «سکوت دریا، (نشر ماهی) انجام داده، استفاده شده است. همچنین از تارنامای kviff.com. ** نقل قول‌های افسر آلمانی از ترجمه شهید نورایی آورده است.



چپ:نخست کتاب در فرانسه، ۱۹۴۲

یکی از نخستین چاپ‌های کتاب در ایران